

# در جستجوی کدام آینده برای میهنمان ایران؟

کلامی دارم با طرفداران جمهوری‌خواهی و آن اینکه اگر در جستجوی **خ** آینده بهتری برای میهنمان ایران با مخاطرات کمتر و با ثبات بیشتر هستیم، باید به طور منطقی و واقع‌بینانه با مسئله پادشاهی برخورد کنیم. متأسفانه در طیف جمهوری‌خواهان کسان زیادی را نمی‌شناسم که از مسئله پادشاهی در ایران امروز ابراز نگرانی کنند زیرا آن دفتر را بسته می‌دانند! عده‌ای از جمهوری‌خواهان در عطش بر زمین زدن جمهوری اسلامی گزینه « تعیین نوع رژیم، بعد از سرنگونی آن توسط رأی مردم » را پذیرفته اند...

---

به دنبال انتشار بخش یکم مقاله جبهه جمهوری خواهان مستقل و آزادی‌خواه ایران **نقش آقای رضا پهلوی در تحول سیاسی ایران [i]** طبیعتاً پیشنهادی که در این نوشته ارائه گردید نمی‌توانست بدون عکس‌العمل باشد. دنباله بخش یکم که شامل تبادل نظر با خوانندگان است به نظر هم‌میهنان گرامی می‌رسد.

## مقدمه

عکس‌العمل‌هایی از سوی خوانندگان گرامی صورت گرفت و دوست ارجمندم آقای دکتر اسماعیل نوری علا که جمهوری‌خواه است و در جمهوری‌خواهی ایشان هیچ تردیدی ندارم و همواره شاهد تلاش‌های خستگی‌ناپذیرشان، چه در زمینه طرح مباحث اجتماعی و سیاسی و چه در زمینه ایجاد همبستگی ملی اپوزیسیون بوده‌ام، در مقاله‌ای در سایت سکولاریسم نو تحت عنوان « **حاکمیت ملت و معمای نوع حکومت [ii]** » نوشته مرا با حسن نیت مورد نقادی قرار دادند. پس از انتشار این مقاله آقای علیرضا پرچی زاده یکی از جمهوری‌خواهان مستقل و آزادی‌خواه و ایران‌دوست جوان در مقاله‌ای تحت عنوان «**پادشاهی، بالذات ناقض حقوق بشر است [iii]**» از دیدگاه منشور جهانی حقوق بشر نقدی بر نوشته آقای نوری علا نوشتند که در سایت‌های مختلف انتشار یافت. به دنبال آن آقای کوشان م در مقاله‌ای تحت عنوان «**فرض غیردموکراتیک بودن پادشاهی ناشی از ندانستن است**» با مقاله آقای علیرضا پرچی زاده برخورد کردند.

عکس‌العمل‌های گوناگون به چنین مسئله مهمی بایستی مورد تبادل نظر قرار گیرد، زیرا که شرایط ایران به ویژه وضعیت اپوزیسیون به اندازه‌ای پیچیده و مشکل است که هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که راه حل قطعی و نهایی را ارائه می‌دهد. ملاک اصلی را باید بر این گذارد که از برخورد نظرات مختلف، موافق و مخالف، شاید بتوان به یک راه حل منطقی و مناسب دست یافت. بنابراین نه تنها اظهار نظر خوانندگان را مفید میدانم و از آنها استقبال می‌کنم، بلکه از تندی و تیزی برخی انتقادات نگرانی به خود راه نداده و مجموعه آن را به هر لهجه و زبانی که باشد انعکاس دهنده ماهیت و میزان غنای فرهنگ سیاسی جامعه ای می‌پندارم که من هم عضوی از اعضای آن بشمار می‌آیم.

در قسمت نخست این نوشتار بعد از مقدمه‌ای کوتاه، کوشش می‌کنم به برخی از سؤالات خوانندگان پاسخ بدهم. برای اینکه از طولانی شدن این نوشته پیشگیری شود نسبت به نظرات مثبت در مورد مقاله «نقش آقای رضا پهلوی در تحول سیاسی ایران [iv]» برخوردی نمی‌کنم و تنها به انتقادات و نظرات سؤال برانگیز و قابل بررسی در راستای جستجوی راه حلی برای آینده می‌پردازم.

مثل بسیاری از هموطنان، من آقای رضا پهلوی را هرگز ندیده‌ام. اما به مانند یک فعال سیاسی کارهای سیاسی او را تا جایی که وقت و امکاناتم اجازه می‌دادند دنبال کرده‌ام. همان‌طوری‌که در بخش اول این مقاله بیان گردید فعالیت‌های سیاسی او را از نظر کیفیت و کمیت کافی ارزیابی نمی‌کنم به همین دلیل برخلاف بسیاری جایگاه رهبری جنبش اپوزیسیون را برای او قائل نیستم اما متأسفانه در سیاست محل خالی را کسی اشغال می‌کند. از سوی دیگر، با بی‌انصافی او را کنار نمی‌زنم. معتقدم که در یک حرکت وسیع ملی علیه جمهوری اسلامی، هر کسی به اندازه تمایل و مشارکتش در جنبش ضد استبدادی حاکم، بایستی در نهاد مدیریت نقش داشته باشد و مسئولیت قبول کند. ایشان را دشمن خود نمی‌پندارم، آنچه می‌گویم به نیت منافع ملت ایران است زیرا که همواره خدمتگزاری به مردم در سر لوحه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی من قرار داشته است.

طبیعتاً طرفداران آقای رضا پهلوی را بخش‌هایی از اقشار مختلف جامعه ما تشکیل می‌دهند که همه آنها از پادشاهی یک درک مشخصی ندارند. شنیده و خوانده‌ام که در میان آنان انسان‌های دموکرات و طرفدار آزادی وجود دارند که معتقدند نظام پادشاهی بهترین راه حل برای میهن ما می‌باشد. شخصاً به نظرات آنان احترام می‌گذارم و اگر لازم باشد از آزادی اندیشه و بیانشان با تمام قدرت دفاع خواهم

کرد. کما اینکه این کار را درگذشته در پاریس به عنوان فعال حقوق بشر و به هنگامی که بسیاری از افرادی که در این سال‌های اخیر طرفدار دموکراسی شده اند و آن روزها جلوی آزادی بیان را می‌گرفتند و به چوب و چماق متوسل می‌شدند انجام داده ام. همین‌طور، غالباً نوشته‌هایی را از سوی طرفداران پادشاهی دریافت می‌کنم و بنا بر تصادف، گاهی برنامه‌های تلویزیونی طرفداران پادشاهی را مشاهده کرده ام که از نظر من سخت بی‌محتوا و بسیار سطح پایین و پر از سخنان نادرست است. مکتوباتی نیز از افراد منتسب به پادشاهی خوانده‌ام و شیوه‌هایی را که مورخین مدافع سلطنت پهلوی به کار می‌گیرند، که غالباً مملو از تحریف واقعیت‌های تاریخی هستند، مطالعه کرده‌ام. مجموعه این‌ها چشم‌انداز مورد اعتمادی از نظام پادشاهی آینده به جای نمی‌گذارد. اما علیرغم همه این واقعیت‌ها طرفداران پادشاهی طیفی هستند که وجود دارند و باید محترم شمرده شوند. این احترام به آن اندیشه، بدین مفهوم نیست که نباید مخاطرات نظام پادشاهی در آینده ایران را به بحث و مجادله و انتقاد نگذاشت.

کلامی دارم با طرفداران جمهوری‌خواهی و آن اینکه اگر در جستجوی آینده بهتری برای میهنمان ایران با مخاطرات کمتر و با ثبات بیشتر هستیم، باید به طور منطقی و واقع‌بینانه با مسئله پادشاهی برخورد کنیم. متأسفانه در طیف جمهوری‌خواهان کسان زیادی را نمی‌شناسم که از مسئله پادشاهی در ایران امروز ابراز نگرانی کنند زیرا آن دفتر را بسته می‌دانند! عده‌ای از جمهوری‌خواهان در عطش بر زمین زدن جمهوری اسلامی گزینه « تعیین نوع رژیم، بعد از سرنگونی آن توسط رأی مردم » را پذیرفته اند. نتیجه‌گیری آقای دکتر اسماعیل نوری علا در مقاله «**حاکمیت ملت و معمای نوع حکومت [۷]**» در همین زمینه است که می‌تواند یکی از راه حل‌ها برای این فراخوان بزرگ ملی در جهت براندازی جمهوری اسلامی باشد. گروهی دیگر به دلایلی گوناگون حاضر به گفتمان در مورد مسئله پادشاهی در آینده ایران نیستند. از جمله آن دلایل می‌تواند ارزیابی نادرست از رقیب و اعتماد به نفس بیش از حد برخی از جمهوری‌خواهان باشد که می‌گویند کار پادشاهی در ایران به اتمام رسیده است و بازگشت آن امکان‌پذیر نیست. چندی دیگر دم فرو بسته اند. همبستگی ملی جمهوری‌خواهان، نه برای مبارزه علیه طرفداران پادشاهی، بلکه به خاطر شکل دادن و بیان هویت خود بایستی هر چه زودتر واقعیت پیدا کند. در میدان سیاسی اپوزیسیون ایران این طیف باید به شکل یک نیروی متشکل واحد عمل کند.



می برد» اگر منظور شما از «جمهوری خواهان دموکرات» «جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران [vii]» باشد روشن است که این تشکیلات به تنهایی کاری از پیش نخواهد برد. اما با اتحاد عمل طیف جمهوری خواهان شاید بتوان از پس جمهوری اسلامی برآمد. با ادامه حیات این رژیم هرگز نمی توان مردم را برای یک انتخابات آزاد بسیج کرد و به همین دلیل است که من از سرنگونی یا به قول شما انحلال رژیم جمهوری اسلامی دفاع نمی کنم .

آقای رحیم ظاهری گرامی واقعیت اینست که شما با مطرح کردن یک ائتلاف فراگیر و خلق یک آلترناتیو که همواره هر دو مورد استقبال من بوده است مرا در پاسخ، دچار مشکل می کنید. خوب است که بدانید به عنوان یک جمهوری خواه همواره طرفدار یک حرکت فراگیر هستم و به ایجاد یک آلترناتیو علیه جمهوری اسلامی اعتقاد دارم. نگاه کنید به « ایجاد آلترناتیو در خارج از کشور [viii] » و به « بدیل واقعی، بایدهمین امروز متعهد شود [ix] » .

**اما از دو مسئله هراسناکم :**

یکی اینکه بازگشت پادشاهی به ایران به صلاح و مصلحت جامعه و همانطور که در بخش یکم نوشته جبهه جمهوری خواهان مستقل و آزادی خواه ایران بیان کردم « نقش آقای رضا پهلوی در تحول سیاسی ایران [x] » حتی به مصلحت آقای رضا پهلوی نمی دانم و به خود حق می دهم آن را بیان کنم و شما هم حق دارید بنده را مورد انتقاد قرار دهید. دوم آنکه معتقدم هر تغییری در ایران بایستی غیروابسته به نیروهای خارجی باشد، وقتی آقای رضا پهلوی با ظهور جنبش سبز، به سرکردگی آقایان میر حسین موسوی و مهدی کروبی، حلقه سبز به مچ دست می افکند و این روزها از اسرائیل تقاضای کمک می کند راستش را بخواهید نسبت به آن ائتلاف فراگیری که افرادی چون او در آن فعال باشند هیچ اعتمادی نمی کنم . این به مفهوم « تخطئه کردن» تلاشهای شما نیست و مطمئن باشید که اگر اپوزیسیون، مستقل از وابستگی به نیروهای خارجی عمل کند اعتماد امثال من و مردم ایران را به همراه خواهد داشت . دیگر اینکه متأسفانه شما هم مثل بسیاری خط و نشان می کشید که اگر دست همکاری به سوی شما دراز نکنیم « رژیم اسلامی، یک کره شمالی دوم بشود، با بمب اتمی در دست، و زنجیر اسارتی طولانی بر گردن هموطنان من و تو» این ترسانیدن ها به سود دموکراسی نیست. بجای ترسانیدن مخاطب خود از وضعیت بدتر نسبت به امر درست بودن نظر خود استدلال کنید تا به روند دموکراسی کمک شود.

## پرسش دو:

تیترا مقاله جبههء جمهوریخواهان مستقل و آزادیخواه ایران فرهنگ قاسمی

نام: کوشان م [xi] نظر: از خواندن این همه تمامیت خواهی و داشتن ذات دیکتاتور تنم برای فردای ایران می لرزد.

می فرمایند: "تنها همراهی شفاف آقای رضا پهلوی با جمهوریخواهان و دفاع او از جمهوریت می‌تواند یکی از شکافهای موجود بین اپوزیسیون را از بین ببرد."

دفاع او از جمهوریت؟؟ آنوقت حق طرفداران پادشاهی پارلمانی چه میشود؟ اصلاً گیریم که ایشان مخالف نوع نظام جمهوری است و معایبش را مثل حقیر بزرگ میدانند حال تکلیف چیست؟

پس ثابت شد تفکر شما با نوع تفکر خمینی مو نمیزند تنها فرقی در این است شما در قدرت نیستید وگرنه از نظر شما اتحاد بر اصل همه مثل من فکر کنند استوار است

دور باد این نوع آزادی اندیشه در ایران و اگر اینگونه می خواهید با دیگران اتحاد کنید امیدوارم  $21=7*3$  سال این اتحاد حادث نگردد.

## پاسخ:

در واقع پاسخ من هم پاسخ به نظر ایشان است که بنده آن را توسط سایت نیوسکولاریسم دریافت کردم و هم پاسخ به نوشته ایشان است تحت عنوان «فرض غیر دموکراتیک بودن پادشاهی ناشی از ندانستن است» [xi] در سایت رادیو کوچه انتشار یافته است. اگرچه در این نوشتار مخاطب من یک فرد است راستش را بخواهید این پاسخ به همه کسانی است که مانند ایشان فکر می‌کنند.

خواننده وقتی تیترا مقاله آقای کوشان را می‌خواند احساس می‌کند که در این مقاله دانستنی‌های فراوان باید وجود داشته باشد. اما وقتی مقاله را می‌خوانید چیز تازه‌ای در آن یافت نمی‌شود به غیر از تکرار مکررات و طرح مسائل عادی مرسوم در دفاع از رژیم پادشاهی به اضافه چاشنی‌هایی از تحقیر نوشته‌های دیگران. نوشته‌ای که متأسفانه در آن یک برنامه‌ریزی نوشتار منطقی، {پلان} یافت نمی‌شود. چنین می‌توان نتیجه گرفت که این نوشته به طور عجولانه براساس احساسات ... قلمی شده است. در این پاسخ کوشش بر این است به موضوعات مطرح شده که

به شکل پراکنده در اینجا یا آنجا نوشته آقای کوشان م آمده است  
برخورد شود .

آقای کوشان م اظهار می‌دارند که : «اول باید توضیح داده شود چه نوع پادشاهی؟! پادشاهی تک نفره سلطنتی یا پادشاهی پارلمانی؟ اگر منظور اولی باشد خوب مشخص است که ناقص حقوق بشر است و نیاز به توضیح ندارد. اگر منظور دومی باشد مساوی این عبارت است که دموکرات ترین دموکراسی جهان از نروژ و سوئد گرفته تا انگلیس و ژاپن ، همه غرق در نقض حقوق بشر هستند و خودشان نمی فهمند و سازمان هایی نیز که اینان را در صدر دموکرات ترین کشورهای جهان قرار داده اند»

نویسنده مقاله «فرض غیر دموکراتیک بودن پادشاهی ناشی از ندانستن است» همینطور اظهار می‌دارد که :

«در جمهوری های ریاستی، یک نفر میتواند با پشتوانه های مختلف مثل پوپولیسیم تا لابیسم تا شانتاژ"بسم " به قدرت برسد و هیچ نهادی به سادگی قادر نیست به چلنج با آن برخیزد. استیضاح البته که وجود دارد ولی نشان داده بعلت قدرت مطلق مقام رئیس جمهور، کارآمدی نداشته است . در عوض در نظام پارلمانی، پارلمان منتخب ملت شاهد و ناظر بر قدم به قدم اقدامات دولت است که این نمودش یکی دادن امکان تعویض راس دولت به پارلمان می باشد. یعنی راس دولت نمی تواند دو دستی این مقام را چسبیده که در برخی شرایط سیاه ترین دیکتاتوری ها را بزاید. در دوره قبل پارلمان ژاپن در یک دوره چهار نفر نخست وزیر عوض شد بدون اینکه اسیبی به روند اداره کشور وارد آید. آیا این فرض در مورد یک نظام جمهوری ریاستی می تواند دیده شود؟» یکی از تحولات ارزنده‌ای جامعه ما این است که بسیاری از افراد و سازمان‌های سیاسی مدافع حقوق بشر شده‌اند از آن جمله طرفداران نظام پادشاهی پارلمانی به منشور جهانی حقوق بشر پای می‌فشارند. اما تناقضی مشاهده می‌شود و آن این است که هر کس تعریف خود را از مفاهیم تشکیل دهنده این منشور جهان شمولی ارائه می‌دهد و بر آن‌ها پافشاری می‌کنند و اظهار می‌دارد که آن دیگری مثلاً از حاکمیت ملت، رأی مردم ... ادراک درستی ندارد و این ادراک من است و باید آنرا قبول کرد.

**وجوه مشترک:**

با توجه به این پاراگراف خوب است ابتدا ببینیم نقاط اشتراک و افتراق ما در کجاست ؟ همه کسانی که طرفدار آزادی و دموکراسی

هستند و برای منشور جهانی حقوق بشر؛ ( البته بدون اینکه در شاخه آن بخش از طرفداران حقوق بشر قرار بگیرد که خواستار نسبت آن و تجدید نظر در تعاریف و مفاهیم آن باشند، یعنی بخواهند مفاهیم آن را در شرایط هر جامعه تغییر دهند، به عبارت دیگر منشور جهانی حقوق بشر را جهان‌شمول می‌دانند) نظام سلطنتی یا نظام جمهوری دیکتاتوری و استبدادی را نمی‌خواهند بلکه هر کدام ایده‌ال خود را از این نظام‌ها طلب و کوشش می‌کنند آن را با توجه به موازین دموکراسی خواهی و حقوق بشر جهان‌شمول تبیین کنند. طبیعتاً اینان چون مراتب بالا را قبول دارند نمی‌توانند حاکمیت صندوق رأی را زیر سؤال ببرند. پس هر نوع جدل در این زمینه که ما یا شما صندوق رأی را قبول نداریم از منطبق به دور است. شما می‌گویید نظام پادشاهی پارلمانی، بنده و امثال من می‌گوئیم نظام جمهوری مبتنی بر دموکراسی آزادی و استقلال. ما جمهوری اسلامی و هر نوع جمهوری یا نظام پادشاهی استبدادی و دیکتاتوری را نمی‌خواهیم و شما سلطنت مطلقه را نمی‌خواهید. فکر می‌کنم که این‌ها وجوه مشترک ما باشند.

### **اما وجوه افتراق ما در اینست که شما ابراز می‌کنید:**

۱ - «اگر ملتی به ایجاد یک نهاد ملی ( و نه سیاسی که باید به این مورد به غایت دقت شود) که بر پایه نسب و خون و بر اصل سنتی تاریخی و ملی شکل می‌گیرد رای اعتماد دهد، پرسش اینجاست: "کجای این مورد بر خلاف حقوق همان بشری است که به آن رای داده اند؟" فراموش نشود نهاد پادشاهی نهادی ملی و اجتماعی - تاریخی است و نه نهادی سیاسی.»

شما می‌خواهید یک نهاد ملی ایجاد کنید. سؤال من این است ضرورت‌های وجودی این نهاد ملی و عملکرد هایش و وظایفش در چیست؟ اگر این نهاد ملی بر پایه نسب و خون است باید بگویید کدام نسب؟ کدام خون؟ از همه مهم‌تر باید استدلال کنید چرا خون؟ آیا نهادی که براساس نسب یعنی حکومت خانوادگی یا الیگارش‌ی و خون یعنی برتری نژادی مستقر شده باشد با مبانی حقوق بشر سازش و توازن و تعادل دارد؟ آیا برآستی این انتخاب در ماهیت خود در ضدیت با منشور جهانی حقوق بشر و مهم‌ترین اصل آن یعنی برابری انسان‌ها نیست؟

### **در باره رفراندوم:**

جامعه ما یک بار به جای جمهوری، جمهوری اسلامی که در آن واژه اسلامی در تناقض و ضدیت با حقوق انسانی است را به رفراندوم گذاشت



مردم هم پای صندوق‌های رأی رفتند و به آن رأی دادند و روشنفکران هرچه مقاومت کردند نتیجه‌ای نگرفتند و قدرتمداران از آن فراندوم صاحب قدرت اسلامی شدند و تسمه از گرده ملت کشیدند .

همه این‌ها بدان جهت است که :

- در انتخاب موضوع فراندوم تقلب شد .

- مردم در شرایط هیجانی بعد از انقلابات مورد آلت دست قرار گرفتند و دستکاری شدند .

- نهادهای اجتماعی و سیاسی در اثر تلاطم انقلابی هنوز هویت خود را به دست نیاورده بودند و در تناقض عمل می‌کردند و توازن و تعادل لازم در آن‌ها شکل نگرفته بود .

- جامعه در شرایط صلح اجتماعی که لازمه تصمیم‌گیری عقلایی است نبود .

نتایجش این شد که امروز من و شما نوعی همه حقوق و آزادی‌های خود را از دست داده‌ایم و بیش از سی سال است که برای به دست آوردنشان مبارزه می‌کنیم و راه به جایی نبرده ایم . آیا بهتر این نیست که نسبت به نهاد خون و نسبت و سنت که در تضاد بزرگ با حقوق انسانی است بیشتر اندیشه کنید. شاید آنگاه به کنه پیشنهاد من به آقای رضای پهلوی بذل توجه بیشتری بفرمایید .

از این گذشته در مورد پیش شرط‌های فراندوم صحبت بسیار است و در این مقال نمی‌گنجد. صرف‌نظر از اینکه من شخصاً با فراندوم فقط در شرایط صلح اجتماعی و تضمین فعالیت آزاد تمام نهادهای دموکراتیک و مستقل در جامعه موافقم. بعید است این فراندومی که شما مطالبه می‌کنید در شرایط هیجانی انجام بگیرد .

**یک بام و دو هوا :**

افتراق دیگر ما اینست که شما استفاده از صندوق رأی را اختصاصی می‌کنید و نظام جمهوری را قبول ندارید زیرا می‌فرمایید :

«اگر قرار بر این باشد این نهاد با رأی مردم هر چند سال یکبار شکل بگیرد خب طبعاً نهادی سیاسی خواهد شد مثل ریاست جمهوری در جمهوری‌های پارلمانی که نهادی سیاسی و بر اساس پیروزی رأی اکثریت بر اقلیت است. اصولاً پروسه صندوق رأی یک پروسه سیاسی است. یعنی

انتخابی سیاسی است چرا؟ چون اقلیتی باید چهار سال صبر کنند تا بتوانند به پیروزی سیاسی دیگری برسند و این فی ذاته یعنی چلنجی سیاسی. پس محال است این نهاد را فرا سیاسی بدانیم. پس برآستی کاربرد ریاست جمهور در نظامات پارلمانی چیست؟ جز مصرف شدن هزینه ای بیهوده برای اداره آن که بر دوش ملت است.»

فکر نمیکنید تضادی در نوشته شما مشاهده میشود و آن اینست که میگوئید : اصولاً پروسه صندوق رای یک پروسه سیاسی است. یعنی انتخابی سیاسی است. اگر صندوق رأی یک پروسه سیاسی است پس چرا آن را در انتخاب نظام پادشاهی پارلمانی به کار میبرید؟ آیا تغییر نظام از جمهوری به پادشاهی یک اقدام سیاسی نیست؟

باز میگوئید که : «پس برآستی کاربرد ریاست جمهور در نظامات پارلمانی چیست؟ جز مصرف شدن هزینه ای بیهوده برای اداره آن که بر دوش ملت است» شما با این سخن اصل انتخابات را نفی میکنید اگر پادشاه پارلمانی شما بر تخت نشست دیگر انتخاباتی وجود نخواهد داشت. اگر اشتباه فهمیده باشم لطفاً من را اصلاح کنید. اما اگر حرف شما درست باشد انتخابات از بین میرود و انتصابات جای آن را میگیرد پس شما در جستجوی آینده ای هستید، همچون سلطنت استبدادی یا نظام ولایت فقیه که با استصواب به انتخابات پوشش میدهد. راستش را بخواهید آقای عزیز امیدوارم که در فهم مسئله عنوان شده توسط شما اشتباه کرده باشم.

سه نکته :

## 1- هزینه تشریفات :

اما در مورد «مصرف شدن هزینه ای بیهوده برای اداره آن که بر دوش ملت است» آیا هرگز فکر کرده‌اید در کشورهای ایده‌آل شما چون نروژ و بریتانیای کبیر و هلند، هزینه دربار و تشریفات و قصرهای گوناگون و نگهداری آنها که به پادشاه و خاندان سلطنتی تعلق دارند از جیب چه کسی تأمین میشود و این مخارج در ممالکی مثل میهن ما ایران چه ابعادی پیدا خواهند کرد؟

## 2- اتحاد سلطنت و مذهب :

حتماً آگاه هستید که در جامعه ما همواره اتحادی میان دین و پادشاهی وجود داشته است. با بازگشت پادشاهی به ایران این خطر قابل پیش‌بینی است. اگر چنین اتحادی میان سلطنت و مذهب به وجود

آید، طرفداران جدایی دولت و دین مجبور خواهند شد فاتحه سکولاریسم را بخوانند. آیا به این خطر اندیشیده اید؟

### 3- جمهوری و نه جمهوری اسلامی

بہتر است از تعصب پرهیز کرده و به مسئلہ نظام جمهوری و پادشاہی با وجدانی بیدار برخورد کنیم. در جامعہ ما بہ شہادت تاریخ نہ نظام پادشاہی موفق بودہ و نہ نظام جمهوری اسلامی. اما متأسفانہ ما تجربہ جمهوری بدون پیشوند یا پسوندی کہ بر اساس آزادی و استقلال انسان و دموکراسی پارلمانی و منشور جهانی حقوق بشر بنیاد گذارده شدہ باشد را نداریم. پس قضاوت دربارہ جمهوری اسلامی نباید با قضاوت دربارہ جمهوری کہ صفات آن را در بالا شمردیم یکی باشد و از خلط مبحث پرهیز کنیم.

### داشتیم و از دست دادیم :

نویسنده مقالہ «فرض غیر دموکراتیک بودن پادشاہی ناشی از ندانستن است» کوشش می‌کند از دیدگاہ خود نظام پادشاہی پارلمانی را بیشتر توضیح دہد، پس چنین اضافہ می‌کنند: « طبعاً مشروطہ خواہان کہ بنده آن را پادشاہی پارلمانی می نامم بہ دنبال حکومتی پارلمانتاریسم با راس تشریفاتی پادشاہی ہستم و نہ نقشی تشریفاتی مثل ناپولیتانو در جمهوری ایتالیا یا گل در ترکیہ. وگرنہ نظام تک نفرہ سلطنتی دیکتاتوری است» آن گاہ کمی دورتر چنین نتیجہ می‌گیرند : نویسنده { منظور آقای پرچی زادہ است } خواستہ نظام پادشاہی پارلمانی (مانند آنچه در سوئد و نروژ و ...) را نقد کند «

اگر ما در جستجوی فردایی بہتر و برای میهنمان ہستیم باید بدانیم کہ فقط یکی از عوامل آن فردای بہتر تعیین نوع نظام است. رژیم آیندہ ایران ہرچہ باشد پاسخ بہ سؤالات زیر از ضروریات امروز ماست. آیا اشکال از نظام‌ها می‌آید یا از اخلاق ما؟ آیا اشکال از نظام‌ها می‌آید یا از و گفتار و کردار و زیستار ما؟ با دروغ‌های امثال ثابتی و سخنان ناروای سلطنت طلب‌ها بہ مخالفین، از جملہ دکتر مصدق، وفاق ملی بہ دست نخواہد آمد. آقای کوشان م اگر اندرز من بہ آقای رضا پهلوی را فقط بہ عنوان یک پیشنهاد، برخاستہ از انصاف، در فرآیند جستجوی منطقی رشد و تحول جامعہ و مبتنی بر واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی ما دریافت کنید مطمئن ہستم در قضاوت خود تجدید نظر و از بکار بردن صفاتی مانند « تمامیت خواهی و داشتن ذات دیکتاتور» خودداری خواہید کرد. متأسفم از اینکہ شما

به جای پاسخ به استدلال‌های مندرج در مقاله و رد منطقی آن‌ها تهمت همفکری با خمینی را زدید. شما می‌توانید کماکان طرفدار نظام پادشاهی پارلمانی در ایران باشید، نظامی که هرگز در گذشته تاریخی ما نتوانست واقعیت پیدا کند و هیچ عقل سلیمی باور ندارد که در آینده چنین حاکمیتی میسر باشد. برگردیم به شصت و اندی سال قبل از این روزها. نیمه دوم سال‌های ۲۰ هجری در ایران را در نظر بگیرید سال‌هایی که قانون اساسی مشروطه تا حدی محترم شمرده می‌شد و علیرغم اینکه عمر دولت‌ها کوتاه بود اما مردم و جامعه از آزادی‌های لازم برای ابراز بیان و دفاع از حقوق خود برخوردار بودند و نه تنها امور مملکت می‌گردید بلکه یکی از مهم‌ترین اتفاقات ملی برای استقلال و دموکراسی یعنی ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران تحقق پیدا کرد؛ شاه سلطنت می‌کرد و دولت حکومت. آیا تاکنون از خود سؤال کرده اید چرا این روال ادامه پیدا نکرد؟ اگر ادامه پیدا می‌کرد وضعیت کنونی ما چگونه می‌بود؟ شاید مثل نروژ و انگلستان و بلژیک و ژاپن نمی‌شد. اما به این روزی که افتاده‌ایم، نمی‌افتادیم. فقط کمی «دانستن» لازم است تا بدانیم که با کمال تأسف امروز دیگر دیر شده است و ملت ایران به مدت ۶۰ ساعت نتوانست از حقوق و آزادی‌های خود بهرمنند گردد پس امروز نمی‌توان نظام پادشاهی پارلمانی سوئد و نروژ و ژاپن را به ایران صادر کرد. ما امکان آن را داشتیم اما متأسفانه از دست دادیم.

### تکرار پیشنهاد :

نمادها برای آینده ایران از همین امروز به وجود می‌آیند و هر نماد بر اساس فعالیت‌ها و جان‌فشانی‌هایش و طبق رهنمودهای که به جامعه ارائه می‌دهد و هزینه‌ای که متحمل می‌شود وثوق مردم را کسب می‌کند. نماد بایستی چشم‌اندازی روشن از آینده جامعه ارائه دهد. گفته می‌شود آقای رضا پهلوی در مورد نوع نظام آینده سکوت می‌کند. این سکوت بی‌معنا نیست، این سکوت همان طلب نظام پادشاهی در ایران است. کما اینکه سکوت در این باره اعتماد برانگیز نیست، آقای رضا پهلوی اگر پادشاهی می‌خواهد باید به صراحت بگوید در این صورت همکاری جمهوری‌خواهان با او فقط در شرایطی امکان‌پذیر است که یک اتحاد بزرگ ملی با مشارکت همه نیروهای جمهوری‌خواه و غیره جمهوری‌خواه فراهم گردد. اما اگر اعتقادی به نظام پادشاهی ندارد پس در کنار جمهوری‌خواهان قرار گیرد و آن را به روشنی بیان کند، این سکوت یا عدم شفافیت اخلاق سیاسی انسان محترم را مورد خدشه قرار می‌دهد و چنین می‌شود گمان برد که او از برخی از جمهوری‌خواهان که به دنبال

وفاق ملی هستند را برای رسیدن به هدف خود سوءاستفاده می‌کند. این سکوت بالقوه تضعیف کننده حرکت به سوی وفاق ملی برای انحلال جمهوری اسلامی است بر اساس چنین استدلالی است که پیشنهاد من به آقای رضا پهلوی منطقی پیدا می‌کند. پیشنهادی که اصلاً جنبه شخصی ندارد، بلکه بر اساس ادله تاریخی و شرایط اجتماعی و فرهنگی و در فرآیند رشد و تحول جامعه است و میدانم که برخی را خوش نمی‌آید. از سوی دیگر خاطرنشان می‌کنم که این پیشنهاد هیچ به مفهوم نادیده گرفتن طرز تفکر عده‌ای از هممیهنان گرامی که طرفدار رژیم پادشاهی هستند نمی‌باشد و من برای اندیشه آنان احترام قایل هستم و حرف من تنها برای شفافیت و یک پیشنهاد از روی خیرخواهی و میهن دوستی است. زیرا اعتقاد دارم حتی نظام پادشاهی پارلمانی نیز در ایران انجام پذیر نمی‌باشد. اگر هم تحت شرایطی به انجام برسد عمرش کوتاه مدت خواهد بود و به نفع تحول آینده جامعه ما نیست. اما اگر شاهزاده تمایل خود را به جمهوری اعلام کند بسیاری از سدها و مشکلات در میان اپوزیسیون ملی و سکولاریسم ایران برطرف خواهد شد.

امروز همه ما در شرایطی هستیم که باید کوشا باشیم تا یک قانون اساسی فکر شده و مترقی که در آن آزادی اندیشه و بیان برای همه کس به طور روشن در نظر گرفته شده باشد و جدایی دین و دولت یا سکولاریسم یا لائسیته با شفافیت کامل تصریح شود و سندی را تدوین کنیم که در جهت حفظ منافع و تأمین نیازهای انسانی همه اقوام ایرانی در چارچوب تمامیت ارضی و استقلال ایران باشد.

**پرسش سه:**

در خواست از آقای رضا پهلوی شنبه، 16 اردیبهشت 1391، 02:53  
مهر داد فر [xiii]

با درود به آقای قاسمی گرامی،

درست است که شرایط اجتماعی ایران قابلیت باز تولید استبداد را دارد. و همچنین، راست است که؛ نظام پادشاهی در ذات خود تبعیض گراست. آقای قاسمی، شما با در خواست از آقای رضا پهلوی مبنی بر صرف نظر کردن وی از اندیشه سیاسی خود، دور نمای بسیار جذابی از سپهر سیاسی ایران ترسیم نموده اید. به راستی اگر چنین شود، مانع بزرگی از سر راه دموکرات‌های لاییک برداشته خواهد شد. اما متأسفانه این پیشنهاد بنظر یک آرزو می‌آید تا یک راه حل واقع بینانه. همانطور که شما اشاره کردید پادشاهی خواهی در عرصه سیاسی ایران

واقعیت ایست انکار ناپذیر و مانعی برای ائتلاف سکولاردموکرات ها. در اینصورت، حذف صورت مسئله، آنهم با آرزوهایی خوب، دردی را دوا نمیکند. نگارنده این سطور که خود یک دموکرات- لائیک و جمهوری خواه میباشد، از پیشگامانی نظیر آقای قاسمی توقع دارد که بجای آرزو تدابیر واقع بینانه‌ای ارائه دهند.

با احترام مهر داد فر

پاسخ :

آقای مهرداد فر با سپاس از شما، آنچه نوشته شده یک درخواست نیست بلکه یک پیشنهاد بود، من در شرایطی نیستم که از ایشان درخواستی بکنم. نویسنده این سطور نیز مانند شما و شاید هزاران نفر دیگر در جستجوی راه حلی در این شرایط سخت اسفبار و پیچیده برای میهنمان هست. در بخشهای بعدی این سلسله مقالات راه‌هایی را که به نظرم درست و عملی می‌رسند ارائه خواهم کرد. راه‌هایی که به همفکری و عقل استدلالی و اندیشه واقع‌گرایانه‌ی دیگر فعالان سیاسی نیاز دارند تا بتوانند عملی شوند.

پیشنهاد آقای امید:

چهارشنبه ، 20 اردیبهشت 1391 ، 22:48

آقای قاسمی گرامی جمهوریخواهان اعم از سوسیال و لیبرال باید خود را قوی کنند و از پراکندگی دست بردارند و یک یا چند چهره معتدل و مدرن ولی جذاب و قوی از نظر فکری و هوش سیاسی را به عنوان رهبر برگزینند و نکته مهم اینکه به سازماندهی نیروها در درون کشور اهمیت دهند. [xiv]

پاسخ :

با خواندن این مطلب حتماً روشن می‌شود که با پیشنهاد شما صددرد صد موافقم. باور بفرمایید در این زمینه کوشش می‌کنم و از شما می‌خواهم در کنار ما باشید.

[Farhang.ghassemi@cogefi.com](mailto:Farhang.ghassemi@cogefi.com) > [Farhang.ghassemi@cogefi.com](mailto:Farhang.ghassemi@cogefi.com)

□□□□ □□□□

25/05/2012

[i]

[http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=7584:2012-04-27-16-29-55&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com_content&;view=article&id=7584:2012-04-27-16-29-55&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)

[ii]

[http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=7771:2012-05-12-23-26-25&catid=34:politique](http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com_content&;view=article&id=7771:2012-05-12-23-26-25&catid=34:politique)

[iii]

Radio Koocheh » « پادشاهی، بالذات ناقض حقوق بشر است »

<http://radiokoocheh.com/article/161429>

<http://balatarin.com/permlink/2012/5/13/3023844>

[http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=7780:2012-05-13-16-15-12&catid=34:politique](http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com_content&;view=article&id=7780:2012-05-13-16-15-12&catid=34:politique)

<http://www.azadegi.com/link/2012/05/13/202946>

[iv]

[http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=7584:2012-04-27-16-29-55&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com_content&;view=article&id=7584:2012-04-27-16-29-55&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)

[v]

[http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;v](http://www.ranginkaman.org/v1/index.php?option=com_content&;v)

iew=article&id=7771:2012-05-12-23-26-25&catid=34:politique

[vi]

<http://www.newsecularism.com/2012/05/02.Wednesday/050212.Farhang-Ghassemi-A-republican-independant-front.htm>

[vii]

[http://www.jjqli.com/fa/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=1039](http://www.jjqli.com/fa/index.php?option=com_content&;view=article&id=1039)

[viii]

[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=3824:2011-04-05-21-47-52&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&;view=article&id=3824:2011-04-05-21-47-52&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)

[ix]

[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=4202:2011-05-09-17-20-17&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&;view=article&id=4202:2011-05-09-17-20-17&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)

[x]

[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=7584:2012-04-27-16-29-55&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&;view=article&id=7584:2012-04-27-16-29-55&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)

[xi]

[kooshanmad@gmail.com](mailto:kooshanmad@gmail.com) > [kooshanmad@gmail.com](mailto:kooshanmad@gmail.com) □□□□

[xii]

<http://radiokoocheh.com/article/161589>

[xiii]

[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&;view=article&id=75)



84:2012-04-27-16-29-55&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75

[xiv]

[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&;view=article&id=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&;view=article&id=75)  
84:2012-04-27-16-29-55&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75